

ماهیت حقوق بشری آزادی بیان در بستر اینترنت و تکالیف دولت‌ها در این خصوص

DOR: 20.1001.1.23225637.1400.10.1.2.2

نوع مقاله: پژوهشی

رضا ایازی^۱، حسین شریفی طراز کوهی^۲، بتول پاکراد^۳، بهزاد ساعدی بناب^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

چکیده

در چند دهه اخیر، اینترنت به زندگی روزمره بشریت وارد شده و استفاده از آن، روزه روز گسترش یافت. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی باهدف بررسی ماهیت و آثار «دسترسی آزاد به اینترنت» انجام شده است. اینترنت در نگاه اول یک ابزار بوده و بنا به استدلال‌ات مشابه، استفاده از آن دارای همان ماهیت و اثر حقوقی بوده که برای اصل فعل تعیین شده است. بر این اساس، هر آنچه در قانون برای آن مجازات تعیین شده در حالت استفاده ابزاری از اینترنت نیز دارای همان ماهیت مجرمانه است. به موجب اسناد حقوق بین‌الملل، احترام به حریم خصوصی افراد توصیه شده و نحوه اجرای این اصل به قوانین داخلی کشورها سپرده شده که این مسئله نیز یکی از چارچوب‌های حاکم بر اینترنت محسوب می‌گردد. دولت‌ها در تهیه حداقل امکانات دسترسی به اینترنت در چارچوب مصالح ملی، مسئولیت داشته و جز در شرایط خاص، حق قطع این ارتباط را ندارند. در جهت تضمین حقوق برابر همه انسان‌ها، دولت‌ها ملزم به تهیه امکانات اینترنتی خاص برای معلولان و افراد کم‌توان بوده تا قادر به انجام اموراتی باشند که به واسطه کم‌توانی، از انجام آن محروم‌اند. در نهایت اینکه امنیت ملی مهم‌ترین دغدغه حکومت‌ها در وضع چارچوب استفاده از اینترنت می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: آزادی بیان برخط، ترویج تروریسم، حریم خصوصی، حقوق بشر، هرزه‌نگاری کودکان.

۱- دانشجوی مقطع دکترا، حقوق بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد بازنشسته، گروه حقوق، واحد تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

hsharifit@yahoo.com

۳- استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴- استاد مدعو، گروه حقوق بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

حق بر آزادی بیان که از آن به‌عنوان حقی بنیادین برای بشر یاد می‌کنند به‌طور واضح و صریح بدون اشاره به ابزار این حق در معاهدات حقوق بشری مورداحترام و حمایت قرار گرفته است؛ لذا این سوال مطرح است که این حمایت در فضای اینترنت (برخط)^۱ با فضای حقیقی به‌طور متفاوتی در عمل مورداحترام و محدودیت قرار گرفته است و آیا آزادی بیان در اینترنت با موانع و چالش‌های بیشتری نسبت به آزادی بیان در بستر غیرمجازی (واقعی) مواجه است؟ آنچه فضای مجازی را از سایر ابزارهای ارتباط جمعی متمایز می‌سازد، دو مؤلفه‌ی سرعت انتقال اطلاعات و نقشی است که کاربران در اشتراک اطلاعات دارند. این ویژگی بیان باعث می‌شود بیان در اینترنت ویژگی متفاوت‌تری نسبت به سایر بسترهای بیان داشته باشد.

در نگاه اول تفاوتی میان بیان، چه در فضای اینترنت و چه در بستر حقیقی به نظر نمی‌رسد، ولی همان‌طور که بیان شد، بیان برخط دارای ویژگی متمایزکننده‌ی سرعت انتشار، گستردگی انتشار و وابسته نبودن به مرزهای کشورهاست. این ویژگی‌ها موجب می‌شود کشورها نخواهند به‌طور یکسان به این مقوله نگاه کنند و فارغ از وجود قواعد بین‌المللی، قائل به تفاوت میان این نوع از بیان بشوند و مدعی شوند که محدودیت در اینترنت موجب محدودیت در حق آزادی بیان نمی‌شود.

عصاره (۱۳۸۸) بیان کرد که حمایت از حقوق بنیادین بشری، امروزه به یک اصل و معیار مهم انتساب نیک و یا شر بودن یک حکومت مبدل شده است. یکی از حقوقی که دارای قدمتی بیش از ۲۰۰ سال است، حق دسترسی به اطلاعات است. این حق از نتایج حق آزادی بیان محسوب می‌

1. Online

شود و هرچند ریشه‌ای سنتی و تاریخی دارد، اما انفجار اطلاعات در میان پیشرفت‌های فن آوران‌های عصر حاضر تعاریف و معانی آن را تقریباً دگرگون نموده است. تا چندی قبل دسترسی به اطلاعات در محدوده‌ی اطلاعات و اسنادی که در مراکز دولتی و بعضاً خصوصی نگهداری می‌شد ترجمه می‌شد. بالتبع این حق برای شهروندان محترم شمرده می‌شد که در صورت نیاز به این اطلاعاتی که منع قانونی برای انتشار ندارند، در دسترسشان قرار گیرد. اما امروزه با رشد تصاعدی و غیرقابل پیش‌بینی فن آوری‌های جدید همچون اینترنت و قابلیت‌هایی که استفاده از این پدیده بروز داده است تقریباً مفهوم اطلاعات و دسترسی به آن تحولی شگرف را در خود می‌بیند. به همین نسبتی که تحولات فن آوران‌ه رفاه و پیشرفت‌های فنی و تجربی به ارمغان می‌آورند، انتظار بشریت این است که مفاهیم حقوق بشری و حمایت‌های از آزادی‌ها ارتقاء پیدا نماید. با این دیدگاهی که مطرح شد دسترسی به هر نوع اطلاعاتی که در فضای اینترنت به وجود می‌آید باید جزء حقوق بنیادین آزادی بیان و اطلاعات شمرده شود. چرا که این اجازه نتیجه‌ی ضمنی و قطعی محترم شمردن آزادی عقیده و بیان است. همچنین تقویت ضریب مشارکت سیاسی از طریق دسترسی به اطلاعات و گسترش فضای سایبر موضوعی کاملاً بروز و مورد توجه دانشمندان حقوق و علوم سیاسی است. در حالی که در برخی کشورهای پیشرفته کاهش حضور و مشارکت شهروندان در امور حکومت به مسئله‌ای نگران‌کننده بدل شده است، به نظر می‌رسد تجویز تقویت دسترسی به اطلاعات و گسترش فضای سایبر در جهت ایجاد شور و انگیزه در میان شهروندان برای حضور توأم با عقلانیت و آگاهی سیاسی، بسیار شفافبخش است. البته همچون دیگر حقوق بنیادین بشری حق دسترسی به اطلاعات نیز محدودیت‌های جدی و قابل ملاحظه‌ای دارد. برای مقابله‌ی با تخلفات مرتبط با این زمینه‌ها موضوع فیلترینگ برای مسدود سازی محتوای غیر مجاز به طور طبیعی پیشنهاد شده است.

اسناد حقوق بشری شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بدون اشاره مستقیم به حق بر بیان برخط در اینترنت با عبارت پردازی پویای خود امکان حمایت حقوقی از این نوع بیان را فراهم کرده است.

در این پژوهش حقوق و تکالیف دولت‌ها در حق بر دسترسی به اینترنت تشریح شده و سعی گردیده که ضمن بررسی منابع حقوقی مختلف، تکالیف دولت‌ها در این خصوص مشخص شود.

۱. مبانی آزادی بیان

یکی از آزادی‌های اجتماعی «آزادی بیان» است. آزادی بیان از دیدگاه فقه اسلامی، مبتنی بر امور متعددی همچون امر به معروف، نهی از منکر، نصیحت و خیرخواهی، مشورت، وجوب بیان حق و حرمت کتمان آن و مانند آن‌هاست. همچنین از دیدگاه اسلام، آزادی بیان مطلق نیست و محدود به حدود دینی متعددی همچون ارتداد، کفر و انکار ضروری دین، افترا به خداوند، تکذیب آیات الهی، استهزا و تمسخر و مانند آن‌هاست. در قوانین داخلی، موازین و احکام اسلامی، منافع و مصالح عمومی، به‌عنوان مبانی آزادی بیان مورد تأکید قرار گرفته و اهانت به مقدسات ممنوع شده است. در اسناد بین‌المللی، مبانی و حدود آزادی بیان، بیشتر مادی است. آزادی بیان ابزاری قابل استفاده با اهدافی متفاوت است. از این‌رو، از دیدگاه اسلام، اصل «آزادی بیان» پذیرفته شده است، اما مبانی آن با دیگر ادیان و مکاتب متفاوت است؛ زیرا این آزادی در خدمت انسان و برای رسیدن به سعادت حقیقی و فلسفه خلقت است و به همین سبب، حدود آزادی بیان نیز از دیدگاه اسلام متفاوت است و این حدود را دین تعیین می‌کند. از این‌رو، مبانی و حدود دینی آزادی بیان برای رسیدن انسان به سعادت دنیا و آخرت است. در حقوق داخلی،

که غالباً از دین مبین اسلام گرفته شده، مبانی و حدود فقهی تا حدی رعایت شده است. از این رو، در این حقوق، موازین و احکام اسلامی و منافع و مصالح عمومی، به عنوان «مبانی آزادی بیان» مطرح شده و اهانت به مقدسات ممنوع گردیده است. برخلاف قوانین داخلی، در اسناد بین‌المللی مبانی و حدود آزادی بیان (به جز در اعلامیه اسلامی حقوق بشر) بیشتر مادی است (Mortezaei and Hosseini, 2013: 49).

۱-۱. آزادی بیان در اینترنت

هرچند که تولد اینترنت به دوران جنگ ویتنام بازمی‌گردد؛ اما استفاده عمومی از آن تنها دو دهه است که رواج یافته و امروزه به ابزاری جدانشدنی از زندگی هر فرد مبدل شده است. امروزه حتی در دورافتاده‌ترین نقاط جهان، استفاده از اینترنت مرسوم است و معمولاً اشخاصی که به دلایل شخصی تمایلی به استفاده از آن ندارند، از این نعمت محروم هستند. اینترنت شبکه ارتباطی جهانی بین تمامی شخصیت‌ها برقرار کرده و امروزه قابلیت انتشار یک خبر با سرعتی بسیار بالا انجام شده که پیش‌تر این امکان وجود نداشت. دسترسی همه جهانیان به شبکه اطلاعات اینترنت، امکان مبادله اطلاعات را فراهم کرده و در صورت عدم نظارت بر آن، به بزرگ‌ترین منبع پخش خبر مبدل می‌گردد. طبیعتاً آزادی بیان با وجود این ابزار، شکلی جدیدتر به خود گرفت و دولت‌ها همواره سعی بر نظارت بر این ابزار داشته‌اند. در واقع اینترنت ابزاری قدرتمند در بیان نظرات بوده و از این جهت آزادی بیان با ابزاری جدید معرفی شد.

۲. سبب بودن اینترنت

ورود اینترنت به زندگی بشر موجب استفاده ابزاری از آن شد که همچون مثال معروف چاقو، قابلیت استفاده صحیح یا اشتباه را دارد. لذا تفسیر حقوقی این پدیده، نیازمند بررسی

رابطه سببیت آن است. به موجب ماده ۱۹ میثاق از «رسانه‌ها» حمایت می‌کند که این حمایت شامل فن‌آوری‌های ارتباطی مانند اینترنت به‌عنوان یک ابزار رسانه نیز می‌شود. لذا ابزار دانستن اینترنت در منابع حقوق بین‌الملل نیز تصریح گشته است. این یک قاعده است و مهم درک این مسئله است که قاعده مذکور برای خود چه معنایی دارد. با این حال، برخی‌ها ممکن است به این نتیجه برسند که این قاعده غلط است و نباید از فناوری محافظت گردد؛ چون تکنولوژی یک وسیله است و نه پایان ماجرا. حقوق‌دانان تأکید کرده‌اند که اینترنت تنها وسیله‌ای برای پایان دادن به تعهد بیان آن‌لاین است و اگر حفاظت صرف از آن به‌عنوان یک هدف باشد، اولویت‌های بشری را مختل می‌کند. آنچه قابل‌پذیرش می‌باشد، این است که حقوق بشر از انسان‌ها محافظت می‌کند نه تکنولوژی. علاوه بر این، حمایت از تکنولوژی در این راه غیر ضروری است. اعطاء نقش بیشتر در تضمین اجرای حقوق بشر، احتمالاً بیش از حمایت کافی از حقوق افراد در مقررات دیگر معاهدات حقوق بشر خواهد بود، به هر حال نقش وسیله فاقد عقل و شعور برای اینترنت بر شمرده شده است.

دلایل متعددی وجود دارد که چرا حفاظت از فن‌آوری ارتباطی به مراتب بیش از معانی رسانه قابل فرض می‌باشد. اولاً، حفاظت از فناوری مهم است زیرا به حفظ آزادی بیان و اطلاعات کمک می‌کند. در تفسیر ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده اروپایی شبیه به ماده ۱۹ میثاق)، دادگاه اروپایی حقوق بشر اشاره کرد که ماده ۱۰ نه تنها به محتوای اطلاعات، بلکه همچنین به وسیله انتقال یا پذیرش از آنجا که هر گونه محدودیت اعمال شده بر این معنی لزوماً با حق دریافت و انتقال اطلاعات مواجه می‌شود تسری دارد. به دلیل ارتباط منحصر به فرد و متقابل بین اهداف و وسیله در زمینه آزادی بیان، حفاظت از فناوری (وسیله) حفاظت از محتوا که فن‌آوری انتقال (به پایان می‌رسد) اهمیت دارد و علاوه بر این،

از آنجا که حقوق به اشتراک گذاشتن اطلاعات و بیان به معنای تعاملات بین افراد است، حفاظت از رسانه‌هایی که این تعاملات را فراهم می‌کند، موجب حفاظت بیشتر از آزادی بیان و اطلاعات می‌شود. طبیعتاً دامنه کاربرد اینترنت بسیار گسترده است و بیان همه مصادیق در این تحقیق ممکن نبوده و تنها به ذکر برخی مصادیق پرکاربرد که جنبه حقوقی آن بیشتر می‌باشد، در دو جنبه حقوق خصوصی و کیفری پرداخته شده است.

۱-۲. حوزه حقوق خصوصی

در حوزه حقوق خصوصی، عمدتاً ورود خسارت به شخص/اشخاص مطرح بوده که شخص مسئول، ملزم به جبران خسارت می‌باشد. این اعمال ممکن است از طریق اینترنت نیز انجام شود. در عرف حقوق (حقوق داخلی و بین‌المللی) اصطلاحاً «ارکان مسئولیت» به سه رکن اساسی گفته می‌شود که برای تحقق مسئولیت مدنی ضروری است و در صورت فقدان یکی از این سه رکن، مسئولیت منتفی می‌شود. ارکان مسئولیت مدنی عبارت‌اند از ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه‌ی سببیت میان ضرر و عمل زیان‌بار. این سه رکن را می‌توان شروط ثابت مسئولیت نامید؛ زیرا وجود آن‌ها در هر حال برای تحقق مسئولیت ضرورت دارد (Burn et al, 2004: 480).

یکی دیگر از ارکان مهم مسئولیت، وجود فعل زیان‌بار یا تقصیر است. در واقع تحمیل مسئولیت بدون وجود فعل زیان‌بار همراه با تقصیر، امکان ندارد.

یکی دیگر از ارکان مسئولیت قهری، وجود رابطه‌ی سببیت عرفی میان خسارت وارده و فعل زیان‌بار است. در واقع باید عرف (اکثر عقلای جامعه) بین ضرر و فعلی که خواننده مرتکب شده، رابطه‌ای تصور کرده، ضرر وارده را معلول فعل زیان‌بار بداند و سایر عوامل، موثر در ورود زیان تشخیص داده نشوند.

چنین اعمالی اگر به وسیله اینترنت اتفاق افتد، مستوجب مسئولیت مدنی خواهد بود. برای مثال، امروزه کلاهبرداری‌های اینترنتی فراوان است. جدا از بحث جرم‌انگاری، در حوزه حقوق خصوصی کلاه‌بردار سایبر، موجب بروز خسارت شده و عمل آن توسط اینترنت، همان فعل زیان‌بار است. رابطه سببیت نیز بین عمل انجام‌شده با زیان وجود دارد. لیکن مستوجب مسئولیت مدنی خواهد بود. مسئولین نیز موظف‌اند باهدف بستن منافذ فسادزا، با چنین وضعیتی مقابله نمایند.

مثلاً در بحث مالکیت معنوی و فعالیت‌های علمی، ممکن است فرد/افرادی به سرقت علمی دست‌زده و حق مالکیت معنوی را نادیده بگیرند. در این صورت علاوه بر جرم ارتكابی، می‌بایست حق و حقوق زایل شده را بپردازند. این مسئله در فضای اینترنتی به یکی از معضلات مبدل شده است.

در حوزه مطبوعات نیز مسئولیت مدنی پابرجاست و اگر شخصی به واسطه نشر خبر کذب (به صورت سستی و یا در اینترنت) موجب بروز زیان به اشخاصی دیگر گردد، می‌بایست آن را جبران نماید. عذرخواهی رسمی ساده‌ترین روش جبران نشر خبر کذب است.

در حوزه حقوق خصوصی داخلی و بین‌الملل، بحث بسیار جالبی در مورد معاملات و اسناد تجاری الکترونیکی وجود داشته که استدلال‌های آن در زمینه تبیین وضعیت استفاده ابزاری از اینترنت قابل توجه است. ابتدا به بحث در این زمینه پرداخته‌شده و در پایان در مورد مسئله ابزاری بودن اینترنت بحث شده است.

کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد که به‌اختصار آن را آن‌سیترال^۱ می‌نامند، در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۶ باهدف ارتقاء هماهنگی و یکسان‌سازی حقوق تجارت بین‌الملل

1. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL)

تأسیس شده. در قانون نمونه امضای الکترونیکی آنستیرال شرط کتبی بودن از مفهوم نوشته حذف گردیده و داده‌پیام را هم‌ارزش با مفهوم نوشته قرار داده است. در بند اول ماده ۸ قانون نمونه تجارت الکترونیکی آنستیرال مقرر شده است: «هرگاه قانون مکتوب بودن اطلاعات را لازم بداند، این شرط به‌وسیله داده‌پیام محقق خواهد شد...» (Javaheri, 2020: 175).

ماده ۵ قانون نمونه آنستیرال در بیان به رسمیت شناختن داده‌پیام مقرر می‌دارد: «اثر حقوقی، اعتبار باقابلیت اجرایی اطلاعات، نباید به‌صرف این که به‌صورت داده‌پیام هستند، مورد انکار قرار گیرند.»

ماده ۹ قانون نمونه تجارت الکترونیکی آنستیرال در بیان مقبولیت و پذیرش داده‌پیام در نظام حقوقی ادله اثبات دعوا بیان می‌دارد: «در نظام ادله اثبات دعوا، هیچ‌یک از قواعد حقوقی نباید به‌عنوان دلیل ایجادشده، مقبولیت و قابلیت پذیرش داده‌پیام را انکار کند: الف) به‌صرف این که یک داده‌پیام است.

ب) به این دلیل که داده‌پیام در قالب نسخه اصلی نیست، اگر آن بهترین دلیلی باشد که شخص آن را در این زمینه اقامه می‌کند.»

با احتساب محکمه‌پسند بودن بند یکم که براساس آن داده‌پیام نباید به علت این که به شکل الکترونیکی می‌باشد، از درجه اعتبار به‌عنوان مدرکی در دعوای قانونی ساقط شود. در تأیید این گفتار، بند دوم ماده ۹ قانون نمونه تجارت الکترونیکی آنستیرال (۱۹۹۹) در خصوص ارزش و توان اثباتی داده‌پیام مقرر می‌دارد: «اطلاعات موجود در داده‌پیام از ارزش اثباتی برخوردار است در ارزیابی ارزش اثباتی یک داده‌پیام، باید به قابلیت اطمینان روشی که از طریق آن داده‌پیام تولید، ذخیره با ارسال شده توجه کرد، همچنین به قابلیت اطمینان روشی که طی آن تمامیت اطلاعات حفظ شده، و به روش که از طریق آن هویت

ارسال‌کننده معین می‌شود و به سایر عوامل مرتبط عنایت کرد.» این ماده و ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیکی ایران در حکم مواد کلی بوده و مواد ۱۴ و ۱۵ همان قانون در حکم مواد خاصی هستند که ارزش اثباتی اسناد الکترونیکی مطمئن را تخصیص می‌زنند. بنابراین می‌توان گفت ماده ۱۳ منصرف از داده‌پیام مطمئن بوده، به ارزش اثباتی داده‌پیام ساده (سند عادی الکترونیکی) با امضای ساده و امضای الکترونیکی ساده اشاره دارد.

قوانین داخلی یک کشور تنها برای همان کشور به‌عنوان منبع حقوق دارای اعتبار است. اما، هنگامی که موضوع وضع قانون در خصوص پدیده‌ها و فن‌آوری‌های نوین باشد، کشورهای مختلف از تجارب یکدیگر بهره می‌گیرند. طی سال‌های اخیر و با درک اهمیت ویژه تجارت الکترونیکی کشورها درصدد برآمده‌اند تا به وضع قانون در این زمینه پردازند. در سال ۱۹۹۵ نخستین قانون امضای دیجیتال در ایالت یوتای آمریکا به تصویب رسید. کره جنوبی در سال ۱۹۹۹، آلمان، مالزی، استونی، ایتالیا، برزیل در سال ۱۹۹۷، سنگاپور، سوئد، کانادا، لوکزامبورگ در سال ۱۹۹۸؛ استرالیا، فنلاند، کلمبیا، نیوزیلند در سال ۱۹۹۹؛ ترکیه، هنگ‌کنگ، تایلند، مالت، ایرلند، سوئیس، فرانسه در سال ۲۰۰۰ آرژانتین، بلژیک، نروژ، مجارستان، تونس، ونزوئلا در سال ۲۰۰۱ ژاپن، لیتوانی، رومانی، روسیه در سال ۲۰۰۲ از جمله کشورهایی می‌باشند که مبادرت به انشاء قانون در خصوص تجارت الکترونیکی نموده‌اند. قوانینی که در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به تصویب رسیده است، در راستای اجرای دستورالعمل‌های اتحادیه اروپاست (Schultz, 2008: 805). مع‌هذا این قوانین ترجمه صرف مصوبات اتحادیه نیستند و عموماً گامی فراتر برداشته‌اند. در کشور ما ایران، منبعث از مباحث فقهی که خارج از پژوهش کنونی می‌باشد، معاملات و اسناد الکترونیکی هماهنگ با اصول حقوق تجارت بین‌الملل، به رسمیت شناخته‌شده و قانون مرتبط در سال ۱۳۸۲ به تصویب

رسید. اما به موجب ماده ششم این قانون، هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد،

«داده‌پیام» در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:

الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول.

ب - فروش مواد دارویی به مصرف‌کنندگان نهایی.

ج - اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر

می‌کند و یا از به‌کارگیری روش‌های خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می‌کند.

پیام کلی مباحث مذکور این است که اگر یک وسیله، بر ماهیت و اثر یک فعل مشروع،

تأثیری نداشته باشد، استفاده از آن منعی ندارد. سه استثنای مذکور در ماده ششم قانون

تجارت الکترونیکی کشورمان نشان از تأثیر منفی الکترونیکی شدن سند بر این سه عامل

است که قانون‌گذار برای استفاده الکترونیکی از آن ممنوعیت قائل شده است. ماحصل

بحث اینکه اینترنت به‌عنوان یک ابزار پرکاربرد، اگر در جهت اجرای یک فعل مشروع

بکار گرفته شود، و ماهیت و اثر آن را متأثر ننماید؛ استفاده از آن منعی نخواهد داشت. اگر

استفاده از ابزار اینترنت به نحوی ماهیت و اثر یک سازوکار مشروع را متأثر نماید که با

اصول حقوقی در تضاد باشد، استفاده ابزاری در آن حوزه ممنوع است (همانند سه استثنای

ماده ششم قانون تجارت الکترونیک). تا اینجا در مورد فعل مشروع همچون تجارت

صحبت شد. اگر اصل فعل نامشروع بوده و اینترنت وسیله انجام آن باشد، با همین تفسیر

می‌توان این استفاده را به طور کلی نامشروع شمرد.

۲-۲. حوزه حقوق کیفری

برای تبیین بهتر این موضوع در جنبه بین‌المللی، به نظریه حقوقدانان در مورد ورود

ریات‌ها به صنعت خودروسازی انگلستان اشاره شده است. در آن زمان چنین بیان شده بود

که اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر در مورد ربات‌ها صادق است. طبیعتاً ربات فاقد عقل و شعور است و اگر عملی نامطلوب انجام دهد، آن را می‌توان به صورت غیر عمدی و بدون مسئولیت لحاظ کرد. اما عامل پردازنده ربات، مسئول اعمال صورت گرفته است. در اینجا قصد و هدف پردازنده ربات مطرح است. ممکن است ربات مستقیماً باهدف نامشروع ساخته شده باشد، همچون هواپیمای بدون سرنشین که با برنامه‌ریزی قبلی به هدف قرار دادن نقطه‌ای پرداخته است. در واقع در اینجا عامل اجرای یک عمل، همان وسیله است و شرایط اقدام عمدی در مورد آن صادق خواهد بود. اما در بسیاری از مصادیق، مسئولیت مبتنی بر تقصیر رخ داده است. برای مثال رباتی که در شرکت بنز آلمان مسئول جوشکاری است، باهدف یک اقدام صنعتی طراحی شده و اگر به هر علت ممکن، ربات موجب قطع دست یکی از کارکنان شود، عمل پردازنده ربات به صورت غیر عمدی لحاظ می‌شود. در واقع تقصیر پردازنده ربات است که با برنامه‌ریزی ناصحیح، موجب قطع دست این فرد شده است. چراکه اگر به درستی برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت، ربات موجب خطا از مسیر اصلی خود نمی‌شد. در اینجا مسئولیت مبتنی بر تقصیر برای پردازنده ربات متصور است که به دلیل سهل‌انگاری در پردازش، موجب وارد شدن خسارت به فرد یا افرادی شده است (Rosi et al, 2021: 550).

جرم همواره به صورت مستقیم اتفاق نمی‌افتد، مصادیقی از قبیل معاونت، مباشرت و سببیت جرم مدنظر است. هر یک از این مسائل، مسئولیت خاصی دارند. لذا می‌توان بر این اساس، مسئولیت را منتسب نمود. در مورد ربات‌ها، به نظر می‌رسد که رابطه سببی برقرار است. ربات، نوعی ماشین است، بنابراین طراحی این گونه ماشین‌های باهوش باید به گونه‌ای باشد که همواره در خدمت آرمان‌های والای بشری مورد استفاده قرار گیرند. از زمانی که

فعالیت ربات‌ها جایگزین اقدامات انسانی شده، به‌عنوان وسیله از آن‌ها استفاده گردیده، به‌نحوی که هیچ تفاوت واقعی بین یک ربات و یک پیچ‌گوشتی در نظر گرفته نمی‌شود. بدین منظور شایسته است شیوه و نحوه به‌کارگیری این ابزارها را قاعده‌مند و تحت شمول قوانین خاص خود درآورد. آیزاک آسیموف^۱ قوانین حاکم بر رباتیک را در قالب سه قاعده بیان کرده است: اول، یک ربات نباید به انسان آسیب برساند یا در اثر عدم فعالیتش اجازه دهد انسانی دچار آسیب شود؛ دوم، یک ربات باید فرمان‌های آنان را اطاعت کند مگر اینکه در تضاد با قانون اول باشد؛ سوم، یک ربات باید از خویش محافظت کند، مادامی که این محافظت مخالف قوانین قبلی نباشد. قواعد مذکور که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان قواعد فن‌آوری ناظر بر عملکرد رباتیک یاد کرد، حدود عملکرد و مسئولیت ربات‌ها را مشخص می‌سازد.

از تفسیر حقوقی که در مورد ربات‌ها ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده ابزاری از وسیله فاقد عقل و شعور، مانع انتساب مسئولیت کیفری نیست. لذا اینترنت از نظر نداشتن عقل و شعور به‌مانند همان ربات است. بنابراین کاربر اینترنت اگر از آن باهدف هر عمل مجرمانه‌ای استفاده می‌کند، مستوجب مسئولیت کیفری خواهد بود. داشتن قصد مجرمانه وی، تنها در انتساب مسئولیت عمدی و غیرعمدی موثر خواهد بود، اما به هیچ وجه نمی‌تواند رافع مسئولیت کیفری باشد. در اینجا نقش وسیله بودن اینترنت در اعمال مجرمانه مستوجب کیفر، به خوبی مشخص است هدف از طرح تفسیر حقوقی ربات‌ها، بیان عرف حقوق کیفری (داخلی یا بین‌المللی) در مورد استفاده ابزاری از اینترنت می‌باشد.

^۱. Исаак Юдович Азимов

۳. دیدگاه فقه اسلامی در مورد آزادی دسترسی به اینترنت

پیش‌تر تفسیری در فقه اسلامی بیان شده که تأثیر خاصی بر حقوق خصوصی نهاد. این تفسیر در مورد معاملات و اسناد الکترونیکی بود. براساس این تفسیر، اگر ابزاری جدید برای اجرای یک سازوکار استفاده شود، به شرط عدم تغییر بر ماهیت و اثر آن، دارای همان وضعیت فقهی بوده که در نوع سنتی برشمرده بودند. مثلاً معاملات الکترونیک از آنجا که از نظر اصل و ماهیت با نوع سنتی یکسان است، ابزار بودن رایانه در این باره به رسمیت شناخته شده است. در اینجا با بیانات فقهی، دیدگاه دین مبین اسلام در مورد وضعیت آزادی دسترسی به اینترنت بررسی شده است.

۳-۱. بنا عقلاء

اصل امضایی بودن قراردادها و معاملات محل تردید نیست و روشن است که شارع در این باره تأسیسی نداشته است (Sadri, 2009: 92) در زمان شارع قراردادهایی جریان داشته و شارع احتمالاً آن‌ها را امضاء کرده است و احتمالاً روش اجرا برای آن‌ها بیان کرده است و این مجموعه‌های فقهی پس از ایشان گردآمده و شکل عقود و ایقاعات معین به خود گرفته است، اما این به این معنا نیست که دلالت عقود و ایقاعات حصری می‌باشد، بلکه زندگی مدنی روزمره با این قراردادها اداره می‌شده و اقتضای تمدن و زندگی مدنی امروزه قراردادهای جدید است. اما پاسخ دیگر به ماهیت ممضی باعقل و اطلاقات نقل منطبق بوده و بلکه فراتر از اطلاق، با مفهوم شرط ابتدایی و کاربردهای متنوع آن در متون شرعی به‌ویژه روایات تطبیق می‌کند، که شارع جریان عرفی روابط مردم را امضاء کرده است و در این امضاء، فقط اصول و رهنمودهای کلی شریعت را در نظر داشته است؛ مثلاً

در عقود و قراردادهای معاوضی عبور از خطوط قرمز ربا، ضرر، غرر، و جهل ملاک شارع بوده است (Bojnurdi, 1999: 43).

آزادی مطلق بیان، باتوجه به تعارضات با دیگر حقوق اشخاص و جامعه، به هیچ وجه مورد تأیید عقلاء نبوده و لذا به آن ایراد وارد است. به طور کلی هدف از قانون گذاری، محدودیت بر اعمال انسان‌ها بوده تا حقوق عامه حفظ گردد. اکنون با ورود اینترنت به زندگی روزمره، نمی‌توان آن را بی‌قاعده به حال خود رها کرد و به مانند آن است که کل جامعه بدون قانون به حال خود رها گردند. لذا ضمن احترام کامل به آزادی به این، می‌بایست برای آن محدودیت‌هایی تعیین نمود که مصلحت کل جامعه حفظ گردد. آزادی بیان به معنای ابراز عقاید در چارچوب قوانین مصوب مربوطه است.

۲-۳. اصل اباحه

اصل اباحه جواز عقلی تصرف در اشیاء قبل از ورود حکم شرع است. اصل اباحه، مقابل اصالت حظر بوده و به معنای حکم اولی عقل به جواز تصرف در اشیاء با قطع نظر از وجود شرع و حکم شارع نسبت به آن‌ها می‌باشد. در این که عقل، صرف نظر از احکام شرع، نسبت به افعال عادی انسان، که انتفاع از آن‌ها صحیح بوده و ضرری برای کسی ندارد، در مقابل افعال ضروری او مثل تنفس چه حکمی دارد، میان علمای اصول اختلاف است؛ عده‌ای معتقدند در این گونه مسائل، عقل به اباحه و جواز تصرف، حکم می‌دهد و جمع دیگری اعتقاد دارند. حکم عقل در آن‌ها حظر و منع از تصرف است. گروهی نیز مانند "حاجبی" معتقدند عقل در این موارد هیچ گونه حکمی ندارد و بعضی مانند "اشعری" گفته‌اند عقل به توقف حکم می‌دهد. "شیخ طوسی" در کتاب نظر اخیر را پذیرفته است (Tusi, 1023, 674).

بر این اساس، تغییر شیوه یک سازوکار، اگر ماهیت و آثار آن را تغییر ندهد، همان قواعد فقهی نیز بر آن حاکم خواهد بود. از آنجاکه اینترنت می‌تواند ابزاری برای تبلیغات باشد، ترویج مسائلی که شرع اسلام آن را حرام شمرده است، توسط اینترنت حرام بوده و قانون‌گذار می‌بایست به تبعیت از قواعد فقهی با منعیات آن مقابله نماید.

۳-۳. قاعده لاضرر

این قاعده اولاً؛ مستند به دلیل عقل است؛ زیرا عقل ضرر رساندن را قبیح دانسته و آن را محکوم می‌کند و طبق قاعده ملازمه^۱ این قاعده مسلم می‌گردد (Fakhr al-Muhaqiqin, 1359: 48).

ثانیاً؛ در قرآن می‌خوانیم، "نباید مادر به واسطه قطع شیر به کودک خویش ضرر برساند."^۲ و یا اینکه "وقتی زنان خود را طلاق دادید، اگر واقعاً نمی‌خواهید با آنان زندگی کنید، صرفاً به منظور آزار دادن به آنان رجوع نکنید."^۳

قاعده "لاضرر" ادله مذکور استخراج و از مبانی مورد اتفاق اهل تسنن و امامیه است و در کتب روایی به نحو تواتر اجمالی دیده شده، و فقهاء آن را به عنوان «کبری قضایای فقهی» مطرح ساخته‌اند. احکامی همچون حکم حرمت ضرر رساندن، حرمت مقابله ضرر با ضرر دیگر، وجوب تدارک و جبران ضرر ناروا، و ... از این قاعده به دست آمده‌اند. این قاعده از متن روایات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، گرفته شده است تا جایی که شماری از فقیهان ادعای تواتر کرده‌اند.

۱. كلما حکم به العقل حکم به الشرع

۲. لا تضار والده بولدها و لا مولود له بولده

۳. ولا تمسک وهن ضرراً لتعتدوا

همچنین در شریعت اسلام هر حکم وضعی یا تکلیفی که موجب ضرر بر فرد یا نوع انسانی باشد، مطرود است. این قاعده مقرر می‌دارد که قراردادها نباید موجب ورود زیان بر طرفین گردند و بر همین اساس و به جهت جلوگیری از ضرر یا جبران آن، حق فسخ (خيارات) در معاملات در نظر گرفته شده است. هر عقد لازمی را می‌توان مشمول «خيارات» دانست و به جز سه خيار، مجلس، حیوان و تأخیر ثمن که مختص عقد بیع است؛ تمامی خيارات (شرط، رؤیت و تخلف وصف، غبن، تدلیس، تبعض صفقه، تخلف شرط) در کلیه عقود جاری هستند (Bojnurdi, 1999: 32).

اقدامات بدون محدودیت در فضای مجازی، طبیعتاً به ضرر جامعه می‌باشد. این ضررها هم در حوزه خصوصی افراد و هم در حیطه عمومی مورد بحث است. به حکم قاعده لاضرر، حکومت وظیفه دارد که با این گونه اقدامات زیان‌بار مقابله نماید. مثلاً اگر شخصی در فضای مجازی آموزش ساخت بمب دستی را بیان می‌دارد، این آموزش امنیت کل جامعه را به خطر انداخته و ضرر آن برای کل جامعه مشهود است. لذا می‌بایست با این گونه فعالیت‌ها در اینترنت مقابله شود. بر این اساس می‌توان تفسیر نمود که ترویج بی بند و باری، هرزه‌نگاری، ترویج مسائلی که به هر نحو با مصالح جامعه ناسازگار است و به حکم قاعده لاضرر ممنوع بوده و انجام آن توسط ابزار اینترنت نیز ممنوع می‌باشد. اینترنت تنها یک ابزار است. اگر از آن برای یک هدف مشروع استفاده شود و بر ماهیت و اثر آن تأثیری نداشته باشد، حکم شرعی حلال بودن را داشته و قانون‌گذار نیز آن را به رسمیت شناخته است. اما اگر برای ارتکاب فعل حرام بکار رفته و همان اثر زیان‌بار نامشروع را انجام دهد، دارای همان ماهیت نامشروع بوده و می‌بایست استفاده با این هدف توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شود.

۴. منابع حقوق بین الملل در مورد آزادی دسترسی به اینترنت

در این قسمت اهم منابع حقوقی مرتبط با حق دسترسی به اینترنت بیان شده است.

۴-۱. جایگاه حق آزادی بیان در اسناد بین المللی و منطقه‌ای

کمیته حقوق بشر سازمان ملل، آزادی بیان را به‌عنوان حقی دارای «بیشترین اهمیت برای هر جامعه دموکراتیک» توصیف کرده است (Sarah, 2002: 54). در اینجا منظور از جامعه دموکراتیک جامعه‌ای است که از فرهنگی برخوردار بوده و افراد آن از فرصت‌هایی برابر و منصفانه برای مشارکت در حوزه‌های مختلف بهره‌مند می‌باشند. چنین فرهنگی برای توده مردم و نه صرفاً نخبگان سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه، این امکان را فراهم می‌سازد تا آزادانه و در کنار یکدیگر در گسترش و بسط مفاهیم مشارکت داشته و به توسعه و نقد پدیده‌ها بپردازند (Shahbazi, 2017: 219).

حق آزادی بیان و اطلاعات با شرایط بسیار مشابه در هر دو ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. در سطح منطقه‌ای آزادی بیان توسط ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر اروپا، ماده ۱۱ منشور حقوق اساسی اتحادیه و ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر آمریکا تضمین شده است. این متون تا حد زیادی شبیه به متن ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در ابتدا مدون شده است.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، حق آزادی بیان در مقررات بین‌المللی حقوق بشر برای جلوگیری از نفوذ غیرضروری دولت‌ها در امور شهروندان خیلی جدی پیش‌بینی و حفظ شده است. بدون توجه به محدودیت‌ها، جامعه بین‌المللی تعهدات خود را به سمت حق ابراز عقیده و بیان در یک سری توافقات اساسی اعلام کرده است.

۱-۱-۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر و بیان برخط

اعلامیه جهانی حقوق بشر طبق تعریف کنوانسیون حقوق معاهدات در زمره معاهدات بین‌المللی نیست و مستقیماً تعهدات الزام‌آور برای کشورها ایجاد نمی‌کند. با این حال اکثریت مفاد آن به صورت مقررات عرفی درآمده است (Qari Seyed Fatemi, 2009: 13). جایگاه حقوقی اعلامیه به عنوان قواعد بین‌المللی عرفی به این معنی است که اعلامیه تأثیر چشمگیری بر توسعه حقوق بشر بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی دارد. این سند بدون اشاره به فضای مجازی، حق بر بیان با هر وسیله‌ای را مورد حمایت قرار داده است.

ماده ۱۹ اعلامیه اعلام می‌دارد: «هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت] و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است».

عبارت «از طریق هر رسانه‌ای»^۱ این امکان را ایجاد کرده است که حمایت اعلامیه به بیان برخط نیز تسری پیدا کند. این عبارت به گونه‌ای است که فناوری‌های آتی را نیز دربر می‌گیرد.

در دهه گذشته، بسیاری تلاش کردند تا حقوق اساسی بشر را در دنیای برخط شناسایی کنند. گزارش گر ویژه سازمان ملل در مورد ترویج و حمایت از حق آزادی بیان یک سری گزارش منتشر کرد که مربوط به افزایش محدودیت‌های قانونی در مورد آزادی بیان در اینترنت بود. او ادعا کرد که «چارچوب حقوق بشر بین‌المللی امروز با فن‌آوری‌های نوین ارتباطی مانند اینترنت کاملاً مرتبط است» (LaRue, 2011: 54).

علاوه بر این، در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۲، سازمان ملل قطعنامه مهمی را تصویب کرد که در آن از آزادی بیان در اینترنت حمایت می‌کند. در این قطعنامه اعلام کرد، برگرفته از ماده ۱۹

1. Through any media

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، همان حقوقی که مردم در فضای غیر برخط و واقعی دارند، باید در فضای برخط هم داشته باشند. این سند اضافه کرد که باید از آزادی بیان که بدون در نظر گرفتن مرزها و از طریق هر رسانه‌ای بر مبنای انتخاب هر فرد قابل اجرا است، حمایت ویژه‌ای شود (Zeldin, 2012: 75).

۲-۱-۴. میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حمایت مشروط از بیان برخط

ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی، حق آزادی بیان را تبیین کرده و فهرستی از زمینه‌هایی که در آن اعمال این حقوق در عمل ممکن نیست را شرح داده است (O'Flaherty, 2015: 70). بند ۱ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی، حق یک فرد برای داشتن عقیده بدون دخالت را تضمین کرده و پاراگراف ۲ ایجاب می‌کند که دولت‌ها از حق آزادی بیان، از جمله حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و همه انواع عقاید صرف‌نظر از مرزها، حمایت کنند. همانند ماده ۱۹ اعلامیه، حقوق مشمول حمایت میثاق مستقیماً حق بیان برخط و دسترسی به اینترنت را در بر نمی‌گیرد. با وجود این، ماده به‌طور واضح از آزادی بیان یک فرد از طریق «هر رسانه‌ای» دیگری به انتخاب خود فرد حمایت می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت هدف از تقریر چنین عبارتی در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی به‌مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، این است که حمایت‌ها و تضمین‌ها به فناوری‌های پیشرفته بعدی نیز سرایت یابد و آن‌ها باید قابل اعمال به تمام اشکال یا اطلاعات منتشرشده از طریق اینترنت نیز باشد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل تأکید کرد که ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی این‌گونه تهیه شده‌اند که افراد را قادر سازند که بتوانند تطبیق توسعه‌های فن‌آوری آینده بر حق خود برای آزادی بیان را اعمال کنند. از این‌رو چارچوب حقوق بشر بر فن‌آوری‌های نوین ارتباطی مانند اینترنت نیز قابل اعمال است.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل، در سپتامبر ۲۰۱۱ تفسیر عمومی شماره ۳۴ مربوط به ماده ۱۹ میثاق را تصویب کرد. در آن پیشنهاد شده که آزادی عقیده و بیان «شرایط ضروری برای توسعه کامل فرد» را دارا است و توضیح داد که آزادی بیان برای شفافیت و پاسخگویی دولت ضروری است (Watt, 2017: 780).

با ظهور وب نسخه ۲ اینترنت، نه تنها اطلاعات بیشتری در اختیار مردم جهان قرار گرفته بلکه دسترسی به فن آوری تولید شده توسط کاربر را نیز تسهیل شده است که در نتیجه افراد را به مشارکت در ساختن جوامع دموکراتیک توانمند می‌سازد. با وجود این، افزایش نوآوری فناورانه برابر با آزادی بیشتر بیان نیست. به منظور تضمین حق بنیادین بشری برای توسعه افراد و ارتقای پیشرفت جامعه به عنوان یک کل، چارچوب حقوق بین‌الملل بشر باید برای فن آوری‌های نوین ارتباطی از جمله اینترنت قابل اجرا باقی بماند.

حق آزادی بیان بر اساس میثاق حقوق مدنی سیاسی، مانند سایر قواعد حقوق بشر، محدودیت‌هایی هم دارد. میثاق تشخیص می‌دهد که اعمال حق آزادی بیان با وظایف و مسئولیت‌های خاص خود همراه است (کلاگ^۱، ۲۰۱۴: ۵۴۳). با وجود این، تأکید بر این است که هرگونه محدودیتی در مورد اعمال آزادی بیان باید به صورت مضیق تفسیر شود. همان استاندارد نیز باید برای آزادی بیان در اینترنت اعمال شود. تفسیر عمومی شماره ۳۴ تأکید دارد که هرگونه محدودیت در انتشار اطلاعات مربوط به اینترنت یا به کاربران نهایی یا ارائه‌دهندگان خدمات، تنها تا حدی مجاز هستند که با بند ۳ ماده ۱۹ میثاق سازگار باشند. به عنوان مثال، در بخشی از نظریه آمده است که در اقدامات مقابله با تروریسم که در زمینه‌ی امنیت ملی اجرا شده، نباید بیش از حد محدود به دسترسی به اطلاعات باشد و

1. Clough

عبارات آن باید به روشنی «برای اطمینان از اینکه آن‌ها به دخالت غیرضروری یا نامتناسب با آزادی بیان منجر نمی‌شوند، تعریف نشده باشد».

۲-۴. حق آزادی بیان در اسناد منطقه‌ای حقوق بشری

حق آزادی بیان برخط در سطح منطقه‌ای نیز تضمین شده است. قواعد، مقررات و رویه قضایی در معاهدات حقوق بشری منطقه‌ای که ایجاد نظام خاص منطقه‌ای می‌کند، تأکید دارند که آزادی بیان نه تنها برای هدف توسعه فردی بلکه برای یکپارچگی جامعه به‌عنوان یک کل باید حمایت شود.

هنگامی که سخن از معاهدات حقوق بشری منطقه‌ای به میان می‌آید به سه معاهده می‌توان اشاره کرد: «کنوانسیون حقوق بشر اروپا»^۱، «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»^۲ و «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها»^۳. هر سه این معاهدات دارای مقررره مخصوص به حمایت از اشکال آزادی بیان هستند. عبارت پردازی دو معاهده اولی شباهت بیشتری به عبارت‌های مندرج در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دارد.

۱-۲-۴. حمایت از بیان برخط در نظام اروپایی حقوق بشر

نظام اروپایی حقوق بشر در بستر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شکل گرفت. کنوانسیون حقوق بشر اروپا متشکل از چهل‌وهفت عضو است که هر یک از اعضای کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را در سال ۱۹۵۰ تصویب کرده‌اند. یک بخش کلیدی از سیستم حقوق بشر اروپا، دادگاه حقوق بشر اروپا است که یک روش عملی مستقل دارد که به افراد، نه دولت‌ها، اجازه می‌دهد در دادگاه ادعا کنند

1. European Convention on Human Rights

2. American Convention on Human Rights

3. African charter on Human and people's Rights

که حق حمایت‌شده‌شان توسط دولت متبوع نقض شده است. دادگاه حقوق بشر اروپا تعهداتی را که کشورهای عضو برای تضمین حقوق شهروندان در حوزه قضایی خود به عهده‌دارند را پیگیری می‌کند (8: 2013, Motamednejad).

حق آزادی بیان توسط ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر اروپا تضمین شده است. براساس این سند آزادی بیان نه تنها فی‌الذات حقی مهم برای خود است؛ بلکه برای تضمین دیگر حقوق مانند آزادی گردهمایی، اجتماعات و تظاهرات نیز مهم است (33: 1988, Stone). دادگاه اروپایی حقوق بشر تصریح کرده است که آزادی بیان یکی از پایه‌های ضروری یک جامعه دموکراتیک و یکی از شرایط اساسی پیشرفت آن و برای رشد فردی افراد جامعه است. سه مؤلفه از حق آزادی بیان در پاراگراف اول ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شامل آزادی بیان، آزادی برای انتقال اطلاعات و ایده‌ها و آزادی برای دریافت اطلاعات و ایده‌ها است، حمایت‌شده است. این‌گونه مستفاد می‌شود که هرگونه محدودیت غیرضروری در حق آزادی برای داشتن عقیده، مغایر با ماهیت یک جامعه دموکراتیک خواهد بود.

آن بخش از آزادی بیان در اینترنت که بسیار پررنگ‌تر از سایر حقوق هست مربوط است به دریافت و انتقال اطلاعات. آزادی برای انتقال اطلاعات و ایده‌ها باید مکمل آزادی برای دریافت اطلاعات و ایده‌ها باشد. از آنجایی که افراد باید از حق تماس مستقیم با یکدیگر به اراده خود برخوردار شوند، دولت‌ها نباید بین ارسال‌کننده پیام و گیرنده مداخله کنند، مگر اینکه تحت شرایطی که طبق پاراگراف ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تجویز شده باشد (54: 2018, Kakmali).

بنا به نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر به دلیل نقش محوری آزادی انتقال اطلاعات در جامعه دموکراتیک، سخن گفتن سطح بالایی از حمایت را در زمانی که شامل مسائل مربوط به امور

سیاسی یا عمومی است، برخوردار است. علاوه بر این، حق انتشار اطلاعات و ایده‌ها در اینترنت، نه تنها محدود به اطلاعات و ایده‌هایی است که به‌طور گسترده مورد پذیرش جامعه و عموم قرار گرفته، بلکه به آن اصطلاحات ناخوشایند و توهین‌آمیز نیز بسط داده می‌شوند. در این رابطه، دادگاه در تصمیم تاریخی خود در پرونده موسوم به هندی سایید به طرفیت انگلستان اعلام داشت: وظایف نظارتی این دادگاه ملزمش می‌کند که بیش‌ترین توجه خود را به اصولی که جامعه دموکراتیک را توصیف می‌کنند، معطوف کند. آزادی بیان یکی از ارکان اصلی چنین جامعه‌ای است که موجب پیشرفت و توسعه هر انسان می‌شود. بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نه تنها برای «اطلاعات» یا «ایده‌هایی» که مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته کاربرد دارد، بلکه برای بیانی که موجب رنجش، شوک یا عصبانیت در دولت و یا هر بخش از جمعیت می‌شوند نیز بکار می‌رود. این‌ها مطالبات جامعه کثرت‌گرا، تسامح‌خواه و دارای ذهن گسترده است که بدون آن هیچ «جامعه دموکراتیک» وجود ندارد (Bartolucci and Peluso, 2021: 43).

علاوه بر این، آزادی برای دریافت اطلاعات و عقاید در اینترنت در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شامل حق جمع‌آوری و جستجوی اطلاعات از طریق همه منابع قانونی ممکن با استفاده از تمام روش‌های بالقوه است. دادگاه اروپایی حقوق بشر اظهار داشت که تحت ماده ۱۰ و براساس حق دریافت اطلاعات «اساساً دولت از محدود کردن یک فرد از دریافت اطلاعاتی که دیگران ممکن است بخواهند یا مایل به انتقال به او باشند منع شده است».

باین حال، آزادی بیان و اطلاعات بر اساس کنوانسیون حقوق بشر اروپا نیز بی‌قید و شرط نیست. بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون تصریح می‌کند که دولت در اعمال آزادی‌های توصیف‌شده در بند ۱ وظایف و مسئولیت‌های خود را دارد و آزادی بیان تحت شرایط

خاص، می‌تواند در پیشبرد مجموعه‌ای از منافع برشمرده شده عموم مردم محدود شود. باوجوداین، وفق ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق بشر اروپا، نباید هرگونه محدودیت و شرایط هرگز با ذات حق آزادی بیان در تعارض باشد. طبق بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر دولت عضو می‌تواند در اعمال حق آزادی بیان که در زمان جمع سه شرط دخالت کند. هرگونه مداخله، مشروط، محدود، یا مجازات کردن باید (الف) توسط قانون تجویز شود؛ (ب) دارای هدف مشروع مطابق بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون باشد؛ و (ج) برای یک جامعه دموکراتیک ضروری باشد.

۲-۲-۴. حمایت از بیان برخط در نظام آمریکایی حقوق بشر

نظام آمریکایی حقوق بشر برای حمایت از حقوق بشر یک سیستم منطقه‌ای حقوق بشر است که وظیفه نظارت، ترویج و حمایت از حقوق بشر را در ۳۵ کشور مستقل قاره آمریکا که عضو سازمان کشورهای آمریکایی هستند، بر عهده دارد. حق آزادی بیان در ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر کشورهای آمریکایی تقریباً به‌مانند ادبیات به‌کاررفته در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی به کمی اضافات آمده است. سیستم حقوق بشر کشورهای آمریکایی در مقایسه با نظام‌های اروپایی نسبتاً گسترده‌تر است. اولاً، ادبیات به‌کاررفته که اشکال بیان را «به‌صورت شفاهی، چاپ‌شده، به شکل هنر یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب یک نفر» که در ماده ۱۳ بند ۱ استفاده شده است نشان می‌دهد که این ماده با ماده ۱۹ میثاق همخوانی دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت این کنوانسیون برای در برگرفتن پیشرفت‌های فنی آینده طراحی شده است که در زمان تهیه پیش‌نویس این فناوری‌ها پیش‌بینی نشده‌اند، و هر نوع شبکه مرتبط با اینترنت باید همان سطح از حمایت از آزادی بیان را در معنای ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی داشته باشد (Chik, 2010: 17).

دوم، بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به صراحت بیان می‌کند که اعمال حق آزادی بیان «تابع سانسور قبلی نخواهد بود». سانسور قبلی یک تعلیق افراطی و رادیکال از آزادی بیان ایجاد می‌کند؛ زیرا از انتشار آزاد اطلاعات، ایده‌ها، عقاید، یا اخبار از قبل جلوگیری می‌کند. با وجود این، طبق ماده ۱۳ بند ۴، سانسور قبلی در مورد سرگرمی‌های عمومی تنها به منظور تنظیم دسترسی به حمایت اخلاقی از کودکان و نوجوانان مجاز است (Clegg et al, 2011: 265).

در نهایت، بند ۳ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر محدودیت‌های غیرمستقیم آزادی بیان را ممنوع می‌کند. هم دولت‌ها و هم بازیگران خصوصی نباید به طور غیرمستقیم از قدرت خود برای کنترل یا محدود کردن حق بیان متجلی در «کاغذ روزنامه، فرکانس‌های رادیویی یا تجهیزات مورد استفاده در انتشار اطلاعات» استفاده کنند. ماده ۱۳ بند ۳ نه تنها تعهدات منفی و سلبی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند که اتخاذ اقدامات محدودکننده را منع می‌کند. می‌گوید که تعهدات مثبت و ایجابی برای اطمینان از عدم دخالت در کنترل زندگی خصوصی افراد است. علاوه بر این، طبق نظر دادگاه حقوق بشر بین آمریکایی، روش‌های غیرمستقیم ذکر شده در بند ۳ ماده ۱۳ انحصاری نیستند و عبارت «هر وسیله دیگری» باید شامل ابزارهای غیرمستقیم برگرفته از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی نیز باشد (Svantesson, 2014: 350).

این بیانیه از ایالات متحده می‌خواهد که از هنجارهای بین‌المللی آزادی بیان حمایت کند و هدف آن ترویج دسترسی جهانی به اینترنت با حفظ نقش خود به عنوان یک رسانه انقلابی برای مشارکت و مشارکت اطلاعاتی است. محدودیت‌ها باید کاملاً متناسب باشد و حداقل تداخل را با آزادی بیان داشته باشد. هر اقدامی که بر ابراز بیان در اینترنت تأثیر بگذارد باید به طور خاص برای حفظ ظرفیت منحصر به فرد اینترنت در ارتقا آزادی بیان با تسهیل در

تبادل رایگان اطلاعات و ایده‌ها به صورت آنی و ارزان بدون توجه به مرزها طراحی شود (Arshadi and Jahangir, 2014: 30).

پس مشاهده می‌شود حق بر آزادی بیان در فضای مجازی به مانند فضای غیرمجازی از سوی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و رویه‌های انجام شده از سوی نهادهای قضایی و مجریان این اسناد، مورد حمایت قرار گرفته است. بخش مهم این حق شامل حق بر دریافت و ارسال اطلاعات که در واقع بیشترین مصداق را فضای مجازی دارد از سوی هر یک از اسناد و رویه‌های قضایی مورد حمایت قرار گرفته است.

۵. اینترنت بدون محدودیت

در سال‌های اخیر بحث اینترنت بدون محدودیت مطرح بوده است. این فناوری به صورت بالن یا ماهواره بوده و بدون دخالت حکومت‌ها، همه شهروندان را از نعمت اینترنت بدون محدودیت بهره‌مند می‌کند. بحث ارائه این خدمات عمدتاً توسط ایالات متحده و دیگر کشورهایی که سابقه استعمار داشته‌اند ارائه شده است. در حال حاضر اطلاعات کمی در خصوص این نوع اینترنت وجود دارد. اما چنین برداشت شده که حکومت‌ها در کنترل این نوع اینترنت نمی‌توانند دخالتی داشته باشند. البته به نظر می‌رسد که این عدم توانایی مداخله در سال‌های آتی تغییر یابد، چرا که در زمانی که رادیو و ماهواره، به عنوان رسانه‌های غیرقابل کنترل به زندگی روزمره وارد شد، پس از مدتی دستگاه پرازیت نیز اختراع شد که امروزه بسیاری از حکومت‌ها با این وسایل، با رسانه‌های معاند به مقابله می‌پردازند. محتملاً در سال‌های آتی تکنولوژی مقابله حکومت‌ها با این نوع اینترنت به بازار معرفی گردد. بحث حقوقی در این مورد از دو جنبه حکومت فاقد مشروعیت و دارای مشروعیت قابل بحث است.

۵-۱. حکومت‌های فاقد مشروعیت

در مورد تعریف عدم مشروعیت حکومت، بحث فراوان است. گاه ممکن است حکومت‌هایی از سر درگیری با ابرقدرت‌ها، نامشروع خوانده شوند که این مهم جنبه سیاسی دارد. اما از دیدگاه حقوقی و فارغ از مسائل سیاسی، می‌توان حکومت‌هایی که از دیدگاه جهانی، فارغ از نظر ابرقدرت‌ها، دارای عدم صلاحیت باشند را نامشروع خواند. این حکومت‌ها باهدف مقاصد سیاسی، قوانینی تصویب کرده که هدف از آن تنها بقای حکومت باشد و حق دسترسی آزاد به جریان اطلاعات نادیده انگاشته می‌شود. پیش‌تر در مورد جرائم سیاسی صحبت شد. حکومت‌هایی که فارغ از اصول حقوقی، قصد گروگان‌گیری شهروندان خود را دارند و اقدام سیاسی علیه حکومت خود را جرم‌انگاری کرده‌اند، فاقد مشروعیت بوده و طبیعتاً این قوانین نیز ارزش حقوقی ندارند. در سالیان دراز، ملت‌های زیادی باهدف مقابله با حکومت‌های فاسد دست به قیام زده که موفقیت‌های قابل توجهی نیز داشته‌اند. اینترنت بدون محدودیت برای این قبیل ملت‌ها از یک نظر می‌تواند مورد تأیید باشد، چراکه به جریان مبارزات علیه حکومت سرعت بخشیده و حداقل حقوق از دست‌رفته آن‌ها جبران می‌گردد (Ahmadi et al, 2016: 160). اما اگر از دیدگاهی دیگر به آن نگاه انداخته شود، جرائم اجتماعی و امنیتی که پیش‌تر در مورد آن توضیح داده شد، شدت یافته و حکومت ممکن است قادر به کنترل آن نباشد. در این صورت امنیت اجتماعی خدشه‌دار گردیده که خود نقض بخشی از امنیت انسانی محسوب می‌گردد. لذا این دو عقیده در تعارض با یکدیگر قرار گرفته و برای این مهم می‌توان چارچوبی جداگانه تعیین کرد. گاه ممکن است دولت آزاد تشکیل شده که رهبری مبارزه علیه حکومت دیکتاتوری را عهده‌دار شود. در این صورت در حیطه خاص، این حکومت‌ها اختیار قانون‌گذاری داشته و می‌توانند با هماهنگی ابرقدرت‌های حامی خود، جریان امنیت اجتماعی را در این نوع اینترنت کنترل نمایند. به‌هرحال در این مواقع، ساقط کردن حکومت ظالم بر

همه چیز ارجحیت داشته و موقتاً می‌توان برخی مسائل را نادیده گرفت. البته بازهم تأکید می‌شود که عدم مشروعیت یک حکومت می‌بایست از دیدگاه جهانی به اثبات برسد و صرف مشکلات سیاسی و منافع ابرقدرت‌ها نباید به سمت نابودی یک حکومت پیش رود. در این صورت نادیده انگاشتن اصول حقوقی تنها جریانات سیاسی را حاکم می‌کند.

۲-۵. حکومت‌های مشروع

حکومت‌های مشروع که در سطح جهان حضوری فعال دارند، محق به حفظ امنیت خود هستند. پیش‌تر در مورد وضعیت مشروعیت حکومت‌ها صحبت شد. اگر در وضعیت عادی، اینترنت بدون محدودیت توسط دیگر کشورها برقرار شود و این امر موجب بروز مشکلاتی در داخل کشور با حکومت مشروع شود، حق اقدامات حقوقی برای آن حکومت محفوظ است. در حالتی که امنیت انسانی با وجود اینترنت نامحدود خدشه‌دار شود، جا برای پیگیری کیفی این مسئله باز خواهد بود. برای روشن شدن این موضوع به ذکر دو مثال توجه شود (Kazeruni, 2016: 168).

در سال ۲۰۰۳ میلادی و در جریان اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا، جریان اطلاعات آزاد آن زمان در کردستان عراق بوجود آمد؛ چراکه مهاجمان با استفاده از تسلط بر کردستان عراق، کنترل بهتری بر آنجا داشتند. در وضعیت جنگی آن زمان حکومت بعث عراق قادر به مقابل با اینترنت نامحدود، به خصوص در کردستان عراق که از ۱۲ سال قبل از آن حکومت خودمختار خود را تأسیس کرده بود، نشد. نامشروع خواندن حکومت وقت عراق توسط مجامع بین‌المللی تأیید شده بود و پیشینه اشغال کویت و اجماع جهانی در این مورد، استفاده از جریان آزاد در وضعیت جنگی را توجیه‌پذیر کرد که در اشغال مناطق شمالی عراق کمک شایانی به اشغال‌گران نمود (Ruggie, 2011: 229).

در جریان ناآرامی‌های سال ۲۰۱۹ عراق و ۱۳۹۸ ایران، مجدداً بحث اینترنت بدون محدودیت توسط سفیر آمریکا در آلمان مطرح شد که در آن زمان با مخالفت‌های جدی روبرو گشت. حکومت‌های مذکور در آن زمان موقعیت سیاسی مناسبی در جهان داشته و قصد مقابله آرام با جریان اعتراضات را داشتند. قطعی اینترنت آن زمان بنا به مصلحت امنیتی اتفاق افتاده و موقتی بود. لذا طرح این ایده توسط یک مقام آمریکایی که سابقه اشغالگری و استعمار را دارد، نشان از مقاصد سیاسی در این مورد بود که طبیعتاً در صورت اعمال، قابلیت پیگیری حقوقی توسط حکومت‌های ایران و عراق را داشت (Moskalenko, 2015: 116).

لذا نتیجه نهایی بحث، این که در حالت عادی اینترنت بدون محدودیت می‌تواند نقض امنیت انسانی باشد، اما در شرایط خاص که جامعه جهانی با ادله حقوقی بر مقابله با یک حکومت اجماع دارند، این اقدام با هماهنگی گروه‌های اپوزیسیون می‌تواند مشروع تلقی گردد.

۶. حقوق و تکالیف دولت‌ها در دسترسی به اینترنت

بنا به آنچه در منابع حقوقی بررسی و تحلیل شد (از تکرار مکررات پرهیز شده است) دولت‌ها ملزم به تهیه امکانات دریافت و ارسال اطلاعات در محدوده اصول حقوقی هستند. ذکر اصول حقوقی به جای منابع حقوقی، نشان از توجه به وضعیت قانون‌گذاری در کشورها دارد. ممکن است در یک کشور، قانون‌گذار براساس مطامع سیاسی، محدودیت‌های خارج از اصول انسانی در منابع حقوقی داخلی تعیین کرده باشد. در توجیه این مبحث می‌توان چنین عنوان کرد که منابع حقوق داخلی کشورها که موردانتقاد حقوقدانان بین‌الملل نباشند، می‌تواند چارچوبی برای مبادله اطلاعات باشد. براساس این تفسیر، همه دولت‌ها ملزم به تهیه حداقلی امکانات اینترنت برای شهروندان خود هستند. در حال حاضر نیز در

تمامی جهان، این امکانات در سطح حداقلی وجود دارد. تنها به وضعیت اینترنت در کره شمالی اعتراض شدید وارد شده و عدم دسترسی همه مردم این کشور به شبکه جهانی اینترنت را نقض صریح حقوق بشر خوانده‌اند. برخی کشورها این وظیفه دولت را در اسناد حقوق خود ذکر کرده و به آن رسمیت بخشیده‌اند. در کشور ما هنوز الزامی برای دولت در این خصوص وجود نداشته و براساس مطالبات عمومی، این خدمات ارائه می‌شود. به هر حال در غیاب اسناد حقوقی داخلی، حقوق آزادی اطلاعات که پیش‌تر در مورد آن توضیح داده شد، دولت‌ها را به تهیه حداقل امکانات اینترنتی ملزم می‌کند. در کشور ما هر چند که عمومی شدن اینترنت به نسبت دیگر کشورها دیرتر اتفاق افتاد، اما در حال حاضر امکان استفاده از اینترنت برای همه شهروندان وجود دارد. هر شهروند با خرید سیم‌کارت ارزان‌قیمت اعتباری، می‌تواند به راحتی با گوشی تلفن همراه خود به اینترنت متصل گردد. اگر انتقاد وارده به پهنای باند اینترنت کشور، پذیرفته شود، باز هم دولت در تهیه حداقل دسترسی به اینترنت به وظیفه خود عمل کرده است. در اینجا به ذکر دو واقعه سیاسی اشاره و سپس تفسیر حقوقی در این مورد ارائه شده است.

در جریان ناآرامی‌های کشور عراق در سال ۲۰۱۹ میلادی، جریان اینترنت کل کشور قطع شد.

در جریان اغتشاشات آبان ماه ۱۳۹۸ ایران، به دستور شورای امنیت کشور، اینترنت سراسری قطع شد و اینترنت ملی در این دوران به فعالیت خود ادامه داد.

در تحلیل حقوقی این دو عامل می‌توان به وضعیت امنیت ملی اشاره داشت. امنیت ملی مهم‌ترین دغدغه مسئولین یک کشور است. در شرایط خاص که کشور دچار آشوب است، موقتاً دسترسی به اینترنت قطع شد. اما در ایران امکانات اینترنت داخلی وجود داشت و در طول قطعی شبکه جهانی

اینترنت، بازهم امکان انجام امورات اینترنتی در داخل کشور وجود داشت. تهیه امکانات این نوع از اینترنت از افتخارات ملی کشور بوده و طی چند سال، با همت جوانان ایرانی محقق شده است. این اقدام دولت را می‌توان گامی مهم در تهیه امکانات حداقلی اینترنت دانست. ماحصل بحث اینکه دولت‌ها در تهیه حداقل امکانات دسترسی به اینترنت در چارچوب قوانین خود (قوانینی که برخلاف اصول حقوقی مصوب نشده و مورد انتقاد نباشند) مسئولیت دارند.

۱-۶. حقوق معلولان و افراد کم‌توان در دسترسی به اینترنت

در مورد حقوق معلولان، دو اصل حقوقی مهم قابل توجه است. اصل عدم تبعیض، همگان را ملزم به رعایت حقوق مساوی بین معلولان و افراد سالم می‌نماید و اصل تساوی خدمات، دولت را ملزم به در اختیار قرار دادن امکانات ویژه به معلولان، برای برخوردار شدن یکسان از خدمات مختلف است. تعداد افراد معلول در جهان موجب اتخاذ تدابیر گوناگونی در سطح ملی و بین‌المللی شده است. آسیب‌پذیر بودن بیش از حد معلولین سبب به انزوا کشیده شدن ایشان می‌شود و به همین دلیل نیز اغلب آن‌ها عملاً قادر به مشارکت در امور اجتماعی نمی‌باشند. تدوین کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نقطه عطفی در حمایت از حقوق افراد مزبور تلقی می‌شود. این کنوانسیون در پی شناسایی رفع تبعیض و ایجاد فرصت‌های برابر بین معلولین و سایر افراد می‌باشد. افراد معلول نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. حقوق ملی و بین‌المللی به تدریج به حقوق این افراد توجه کرده است. کنوانسیون ۲۰۰۶ حمایت از اشخاص معلول در سطح بین‌المللی، و قانون حمایت جامع از معلولین مصوب ۱۳۸۳ در سطح ملی کشورمان نشانگر توسعه حقوق این افراد می‌باشد (Ca, 2020: 43).

با بررسی و مقایسه کنوانسیون ۲۰۰۶ معلولین و قانون جامع حمایت از معلولین مصوب ۱۳۸۳ کاستی‌ها و خلاءهای موجود در مقررات ایران روشن می‌شود. لذا کنوانسیون بین‌المللی مزبور الگو مناسبی برای اصلاح و بازنگری در مقررات ملی تلقی می‌شود. تقویت مقررات این قانون می‌تواند وضعیت معلولین را در حقوق داخلی بهبود بخشد. بازنگری و لحاظ کردن سیاست جنایی پیشگیرانه و حمایت از معلولین در حقوق جزای شکلی و ماهوی از جمله مواردی است که باید مورد توجه مقنن قرار گیرد. البته کشورمان به کنوانسیون مذکور پیوسته و در صورت خلأ قانون جامع حمایت، می‌توان به مفاد کنوانسیون به‌مانند حقوق داخلی نگریست.

در یک نگاه می‌توان ادعا کرد که کنوانسیون ۲۰۰۶ گامی به سوی ارتقاء و توسعه موازین حقوق بشر تلقی می‌شود. دستگیری از ایشان نه از باب ترحم بلکه از منظر حقوق و در قالب سندی بین‌المللی محقق گردید. اهداف بلندپروازانه این کنوانسیون نویدبخش شناسایی حقوق این افراد در پهنه حقوق بین‌الملل می‌باشد. کنوانسیون، حقوق جدیدی به حقوق شناخته‌شده در اسناد حقوق بشری اضافه نمی‌کند، بلکه بیشتر بر تضمین و رعایت و احترام به حقوق موجود تأکید دارد.

در منابع حقوقی مذکور، دولت‌ها به رعایت حقوق برابر معلولین با دیگر اعضای جامعه ملزم شده‌اند که براساس اصل «رفع تبعیض» می‌باشد. معلولیت نباید محدودیتی برای حقوق اجتماعی لحاظ شود. اما در بخش‌هایی همچون آموزش، دولت‌ها به فراهم آوردن امکانات آموزشی متناسب با توان معلولین ملزم شده‌اند. در تفسیر این ماده حقوقی می‌توان یکی از تکالیف دولت‌ها را فراهم کردن اینترنت با هزینه مناسب، جهت آموزش این افراد دانست. ممکن است برخی از معلولان قادر به حرکت تا محل‌های آموزش نباشند. اینترنت می‌تواند

یکی از ابزارهای خاص آموزش این قشر از انسان‌ها باشد که به‌موجب کنوانسیون مذکور، دولت‌ها در تهیه این امکانات مسئولیت دارند. اگر به دیگر مفاد منابع حقوقی نگریسته شود، تهیه امکانات متناسب با حقوق اجتماعی آن‌ها نیز به دولت‌ها توصیه شده است. خرید آنلاین می‌تواند یکی از مصادیق تهیه امکانات اجتماعی باشد. از آنجاکه برخی معلولان قادر به خرید به‌صورت عادی نمی‌باشند، می‌توان در حمایت از معلولان، خدمات خرید آنلاین را متناسب با وضعیت اقتصادی آنان، تهیه نمود. (Cosmas, 2020: 47).

ماحصل بحث اینکه به‌موجب تفسیر کنوانسیون حمایت از معلولین، به‌خصوص در بخش رفع تبعیض و تهیه امکانات آموزشی، می‌توان دولت‌ها را ملزم به تهیه اینترنت برای این قشر دانست. هزینه آن نیز می‌بایست متناسب با قدرت خرید معلولین و امکانات دولتی باشد که در اکثریت کشورها، این خدمات به‌صورت رایگان ارائه می‌گردد. دولت جمهوری اسلامی، هم به کنوانسیون ۲۰۰۶ پیوسته و هم قانونی جداگانه در سطح ملی مصوب نموده است. لذا به‌موجب تفسیر آن می‌توان دولت را به تهیه اینترنت برای همه معلولین ملزم نمود و در صورت بنیه مالی دولت، این خدمات می‌بایست رایگان باشد. از آنجاکه برخی معلولین بدون استفاده از ابزار اینترنت قادر به انجام برخی امورات زندگی همچون خرید کردن، آموزش و ... نیستند؛ قصور دولت‌ها در تهیه امکانات اینترنت برای آن‌ها می‌توان نقض صریح اصل کرامت انسانی باشد که در اعلامیه حقوق بشر نیز به آن اشاره شده است. بنابراین باهدف حفظ کرامت انسانی این قشر، دولت‌ها می‌بایست امکانات ارتباطی مناسب را در اختیار آنها قرار داده که معلولیتشان موجب خدشه‌دار شدن شخصیت آنها نگردد.

۲-۶. مدیریت اینترنت و حاکمیت بر آن براساس قواعد حقوق بشر

در اسناد حقوق بشری، حق اطلاع داشتن افراد به رسمیت شناخته شده، اما به محدودیت آن هیچ اشاره‌ای نشده است. طبیعتاً در سکوت منابع حقوق بین‌الملل، می‌توان عرف را به‌عنوان یک اصل حقوقی تعیین نمود. البته به عقیده برخی دیگر از حقوقدانان، تفسیر دیگر منابع حقوقی می‌تواند جای سکوت حقوقی در این مورد را بگیرد. در تفسیری که پیش‌تر در مورد اسناد حقوق بشری ارائه شد، تعارض آزادی اطلاعات با امنیت ملی، به‌عنوان محدودیت این حوزه پذیرفته شده است. در صورت نبود امنیت برای شهروندان، بخشی دیگر از حقوق بشر زایل شده و دولت‌ها ملزم به تأمین حداقل امنیت برای زندگی روزمره شهروندان می‌باشند. اگر عرف حقوقی حاکم بر این وضعیت شناخته شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که از دیدگاه حقوق بشر، مبادلات ارتباطی در چارچوب قانون مجاز است (Lubua, 2020: 471).

با توجه به مباحث مطروحه، اصول حقوق بشر، حقوق ارتباطاتی را به‌صورت مطلق تعریف کرده است. اما چنانکه در تفسیر قوانین داخلی کشورها مشخص است، چارچوب خاصی می‌بایست برای مبادلات ارتباطاتی معین نمود. چنین به نظر می‌رسد که منابع حقوق بین‌الملل به این مورد، توجه داشته و در تفسیر موسع از مفاد منابع مذکور، می‌توان چارچوب مطروحه را کاملاً مشروع دانست. مثلاً امنیت انسانی خود یکی از اصول حقوق بشر می‌باشد که مؤلفه‌های مختلف آن در منابع حقوقی منعکس گردیده است. اگر به این جنبه از حق بشری نگریسته شود، تفسیر آزادی مطلق مبادلات اطلاعاتی موردانتقاد است. بنابراین می‌توان قواعد حقوق بشر را با تفاسیر دقیق از همه جنبه‌ها در حقوق داخلی کشورها منعکس کرد و چارچوب اختیارات مسئولین اجرایی در مورد اینترنت را نیز در این خصوص معین نمود. ماحصل بحث اینکه منابع حقوق بشر بین‌الملل در صورت تفسیر

صحیح و هماهنگ می‌توانند چارچوب مدیریت اینترنت کشور را مشخص کرده و دولت‌ها نیز می‌بایست قوانین داخلی خود را با آن هماهنگ سازند که متأسفانه برخی کشورها از چارچوب حقوق بشری در مدیریت بخش اینترنت استفاده ننموده‌اند.

نتیجه‌گیری

ویژگی مشترک اینترنت و آزادی بیان، «آزادی اطلاعات» است که ماهیت حقوقی مشترکی در این مورد داشته و اینترنت ابزار برخی افعال است. لذا در صورت عدم تأثیر بر ماهیت و اثر اصل فعل، دارای همان ماهیت حقوقی است که فعل موردنظر دارد. اسناد بین‌المللی، آزادی بیان را یک حق برای عموم شهروندان می‌دانند، اما در تفسیر دقیق آن، نمی‌توان مطلق بودن آن را پذیرفت. در حیطه حقوق خصوصی، اگر توسط اینترنت خسارتی به دیگری وارد شود، کاربر مسئولیت مدنی جبران آن را عهده‌دار است. در حیطه مسائل امنیتی نیز مهم‌ترین دغدغه قانون‌گذاران در تعیین محدودیت‌های اینترنتی می‌باشد. بر مبنای اصول آزادی بیان که در اسناد حقوقی عنوان شده است، دولت‌ها در تهیه حداقل امکانات دسترسی به اینترنت برای شهروندان خود مسئولیت دارند. معلولین و افراد کم‌توان، براساس اصل عدم تبعیض، برای برخورداری از حقوق برابر با افراد عادی، نیازمندی بیشتری به اینترنت داشته که دولت ایران، بنا به کنوانسیون ۲۰۰۶ و قانون مصوب سال ۱۳۸۳، ملزم به تهیه آن می‌باشد. حقوق داخلی هیچ کشوری آزادی مطلق بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات را به رسمیت نشناخته و ایده آزادی مطلق در عمل با چالش‌های فراوانی روبرو می‌باشد. حریم خصوصی افراد، یکی از مهم‌ترین عوامل تحدید آزادی در فضای مجازی است که به‌موجب اسناد حقوق بین‌الملل، حمایت از آن ضرورت دارد. در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری، مقابله با سایبرتروریسم گسترده‌ترین همکاری‌ها را بین

کشورها را در بر می‌گیرد و همه کشورها ملزم به مقابله با این پدیده می‌باشند. جرائم اجتماعی بنا به اسناد حقوق بین‌الملل و در غیاب آن در حیطه حقوق عرفی، در کشورهای مختلف جرم-انگاری شده و ارتکاب آن توسط اینترنت نیز جرم محسوب می‌گردد. آزادی بیان در چارچوب حقوق عمومی، نباید منعی داشته باشد که اگر حکومت‌ها با این نوع از آزادی مقابله نمایند، مرتکب نقض حقوق بشر گردیده و محدودیت این مسئله در اینترنت قابل قبول نمی‌باشد.

اینترنت بدون محدودیت در حالت عادی می‌تواند به سبب بروز مشکلات اجتماعی، نقض حقوق بشر ارزیابی شود، در شرایط خاص که اجماع جهانی بر غیر مشروع بودن یک حکومت وجود دارد می‌توان این فناوری را اعمال کرد. مسائل امنیتی جزئی از امنیت انسانی بوده و به موجب آن، هیچ کشوری تحمل ارتکاب شهروندان به جرائم امنیتی سایبری را نداشته و می‌بایست با آن مقابله نمود. در صحنه جهانی، اینترنت بدون محدودیت است و این دولت‌ها هستند که برای استفاده از آن محدودیت تعیین می‌کنند. لذا در بعد بین‌الملل نمی‌توان مانع از ارتکاب جرائم سایبری شد.

در تقنین قوانین رایانه‌ای، عمدتاً انطباق آن با حقوق کیفری تصریح شده و به صراحت بیان گردیده که جرائم رایانه‌ای همان مجازات‌هایی را به همراه دارد که در قوانین عادی برای نوع فعل نامشروع بر شمرده شده است. میزان بازدارندگی مجازات‌های تعیین شده برای جرائم اینترنتی مورد انتقاد حقوقدانان است. مدیریت امور اینترنت توسط دولت‌ها می‌تواند بر اساس قواعد حقوق بشر انجام شود.

- 1) Ahmadi, Seyed Mohammad Sadegh; Naseri, Alireza; Qasemabadi, Morteza (2016) A Comparative Study of Restrictions on Freedom of Expression on Television from the Perspective of International Human Rights Documents and Subject Law of Iran, *Public Law Research* 52 (18) 153-177 [In Persian].
- 2) Arshadi, L., & Jahangir, A. H. (2014). Benford's law behavior of Internet traffic. *Journal of Network and Computer Applications*, 40, 194-205.
- 3) Asareh, Abdullah (2009) The right of access to information in other parts of Iran, Master Thesis, Shahid Beheshti University, Supervisor: Dr. Reza Eslami [In Persian].
- 4) Bartolucci, A. F., & Peluso, J. J. (2021). Necessity is the mother of invention and the evolutionary force driving the success of in vitro fertilization. *Biology of Reproduction*, 104(2), 255-273.
- 5) Bojnurdi, Mohammad Hussein (1999), *Rules of jurisprudence*, Qom, Al-Hadi Publishing, Volume One, First Edition [In Arabic].
- 6) Burns, R. G., Whitworth, K. H., & Thompson, C. Y. (2004). Assessing law enforcement preparedness to address Internet fraud. *Journal of Criminal Justice*, 32(5), 477-493.
- 7) CA, J. (2020). GLOBAL INTERNET GOVERNANCE: IMPLICATIONS FOR THE SOUTH. *Indian Journal of Asian Affairs*, 33.
- 8) Chik, W. B. (2010). 'Customary internet-ional law': Creating a body of customary law for cyberspace. Part 1: Developing rules for transitioning custom into law. *Computer Law & Security Review*, 26(1), 3-22.
- 9) Clegg, R. G., Di CaIrano-Gilfedder, C., & Zhou, S. (2010). A critical look at power law modelling of the Internet. *Computer Communications*, 33(3), 259-268.
- 10) Clough, J. (2014). A world of difference: the Budapest convention of cybercrime and the challenges of harmonisation. *Monash UL Rev.*, 40, 698.
- 11) Cosmas, Y. (2020). Examination on Section 30 of the Cyber Crime Act No. 14 Of 2015 (Doctoral dissertation, Mzumbe University).
- 12) Fakhr al-Muhaqiqin (1359) Explaining the benefits in explaining the problems of the rules, Qom, Ismailian Publishing, Volume One, First Edition [In Arabic].
- 13) Javaheri, Gholamreza; Ismaili, Mehdi; Haji Tabar Firooz Chai, Hassan (2020) Cyber Pornography from Theoretical Foundations to Patterns of Criminal Response, *Criminal Law Research* 30 (8) 173-200 [In Persian].
- 14) Kazeruni, Seyed Mostafa (2016) The Challenge of Implementing the Right to Freedom of Expression with the Prohibition of Terrorist Use of Cyberspace. *International Studies* 48 (12) 167-198 [In Persian].
- 15) Kelmali, E. (2018). The development of interagency cooperation amongst FRONTEX, EMSA and EFCA in the light of the european legislation and policy.
- 16) La Rue, F. (2011). Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression.

- 17) Lubua, E. W., (2020) Cyber-security Policy Framework and Procedural Compliance in Public Organisations.
- 18) Mortezaei, Seyed Ahmad; Hosseini, Seyed Ebrahim (2013) Freedom of Expression and its Principles from the Perspective of Jurisprudence and Law, Journal of Legal Knowledge 2 (4) 49-72 [In Persian].
- 19) Moskalenko, K. (2015). The right of publicity in the USA, the EU, and Ukraine. *International Comparative Jurisprudence*, 1(2), 113-120.
- 20) Motamednejad, Roya (2013) The role of the Council of Europe in promoting communication rights, *news sciences* 6 (1) 5-25 [In Persian].
- 21) O'Flaherty, M. (2015). *International Covenant on Civil and Political Rights: interpreting freedom of expression and information standards for the present and the future. The United Nations and freedom of expression and information, Critical perspectives*, Cambridge, 55-88.
- 22) Qari Seyed Fatemi, Mohammad (2009) *Human Rights in the Contemporary World*, Tehran, Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research, Volume One, Second Edition [In Persian].
- 23) Rossi, R., Fitzgerald, S., Molina, S., Mereuta, O. M., Douglas, A., Pandit, A., ... & Doyle, K. M. (2021). The administration of rtPA before mechanical thrombectomy in acute ischemic stroke patients is associated with a significant reduction of the retrieved clot area but it does not influence revascularization outcome. *Journal of Thrombosis and Thrombolysis*, 51(2), 545-551.
- 24) Ruggie, J. (2011). Report of the special representative of the secretary-general on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises: Guiding principles on business and human rights: implementing the united nations 'protect, respect and remedy' framework. *Netherlands Quarterly of Human Rights*, 29(2), 224-253.
- 25) Sadri, Seyed Mohammad, (2009) *Electronic Transactions*, Kashan, Gulab Adineh, Volume One, First Edition.
- 26) Sarah, J. (2002). Human Rights Committee: General Comment 29. *Hum. Rts. L. Rev.*, 2, 81.
- 27) Shahbazi, Aramesh (2017) in the pursuit of the development of international Internet law, *Public Law Research* 54 (18), 219-246 [In Persian].
- 28) Stone, Geoffrey R. (1988). Precedent, the Amendment Process, and Evolution in Constitutional Doctrine. *Harvard Journal of Law & Public Policy*, 11, 67.
- 29) Svantesson, D. J. B. (2014). Between a rock and a hard place—An international law perspective of the difficult position of globally active Internet intermediaries. *Computer Law & Security Review*, 30(4), 348-356.
- 30) Tusi, Abi Ja'far Muhammad ibn al-Hasan ibn Ali (1023) *Tahdhib al-Ahkam, Qom, Al-Bayt*, Volume One, First Edition [In Arabic].

- 31) Watt, E. (2017). The right to privacy and the future of mass surveillance. *The International Journal of Human Rights*, 21(7), 773-799.
- 32) Zeldin, W. (2012). UN Human Rights Council: First Resolution on Internet Free Speech. In *The Library of Congress. Global Legal Monitor* (Vol. 12).

